

میزان رعایت تضمین دادرسی عادلانه در هیات‌های انضباطی نیروهای مسلح

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۹/۲۹، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۱۱/۱۸)

علیرضا برزگر بفروئی^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران

دکتر علی زارعشاهی

عضو هیات علمی گروه حقوق، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران

میلاذ خلیلی

دانشجو دکتری، گروه حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد میبد، ایران

چکیده

برای بهره‌مندی از یک دادرسی منصفانه آنچه قبل از هر چیز ضروری به نظر می‌رسد، حق اعتراض و اقامه دعوی است. در واقع بدون وجود حق اقامه دعوی، دادرسی منصفانه منتفی به انتفای موضوع خواهد بود و این که چه تضمینی باید در جریان دادرسی مورد توجه و رعایت قرار گیرد پس از حق امکان شکایت مطرح می‌گردد، از این رو این حق به عنوان یک اصل پایه‌ای به شمار می‌رود. در نظام حقوقی ایران قانون اساسی در اصل ۳۴ دادخواهی و مراجعه به دادگاه را حق مسلم هر فرد می‌داند. اصل ۳۴ مقرر می‌دارد: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد».

واژگان کلیدی: حقوق، دادرسی و دادگاه نظامی، محاکمه، دیوان، قوه قضاییه، اثبات

^۱ نویسنده مسئول



مقدمه

در مقام بررسی اصل مذکور در هیأت‌های انضباطی نیروهای مسلح باید گفت هیأت‌های بدوی انضباطی نیروهای مسلح که مطابق ماده ۱۰۴ قانون ارتش، ماده ۱۱۴ قانون سپاه و ماده ۱۲۱ قانون نیروی انتظامی تشکیل می‌شوند؛ رسیدگی به تخلفات پرسنلی که فرمانده نیروی مربوط برای آنان پیشنهاد محرومیت از ترفیع، تنزیل درجه یا رتبه، معافیت از خدمت و یا اخراج از خدمت را می‌دهد و همچنین رسیدگی به شکایات پرسنل از رده‌های بالاتر را بر عهده دارند. نکته حائز اهمیت این که همچنان که بیان شد تنها چهار نوع تنبیه در صلاحیت رسیدگی هیأت‌های مذکور است و سایر تنبیهات را فرماندهان نیروهای مربوطه می‌توانند مستقیماً و بدون رسیدگی در هیأت‌های مذکور مطابق آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح نسبت به پرسنل متخلف اعمال نمایند. که از جمله این تنبیهات «بازداشت غیر قابل تمدید در بازداشتگاه به مدت ۳۰ روز» است که جای توجه و تأمل دارد. چرا که تنبیهی این چنین که از ماهیت سالب آزادی برخوردار می‌باشد بدون وجود تضمینات دادرسی عادلانه که ابتدایی‌ترین آن حق دسترسی به دادگاه و مرجع رسیدگی کننده است مورد رسیدگی قرار می‌گیرد (ساقیان، ۱۳۹۴: ۷۸).

بخش اول: مفهوم شناسی

بند اول: استقلال و بی‌طرفی مرجع رسیدگی کننده

استقلال و بی‌طرفی مرجع رسیدگی کننده به عنوان یکی از اصول و تضمین اساسی حق برخورداری از دادرسی عادلانه در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشری همچون ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۱ ماده ۱۴ میثاق و نیز بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی پیش‌بینی گردیده است. مطابق این اصل؛ استقلال مرجع رسیدگی کننده به معنای مصونیت از نفوذ و کنترل سیاسی یا اجرایی است. هر گاه مراجع و قدرت‌هایی در پی آن باشند تا با نفوذ و تأثیر گذاری بر دادگاه یا قضات رأی و تصمیم آنها را متأثر سازند، و دادگاه یا قضات، فاقد ابزار و تضمین‌های لازم برای مصون ماندن از چنان تأثیری باشند، فاقد استقلال خواهند بود (فضائلی، ۱۳۹۷: ۱۸۰). در این زمینه کمیسیون اروپایی حقوق بشر بر این نکته تأکید تام کرده که ضرورت استقلال دادگاه، مستلزم نصب دائمی قضات و عدم امکان انتقال محل خدمت آنان نیست، بلکه آنچه ضرورت



دارد این است که دادگاه در انجام وظایف قضایی خود از هر گونه مداخله و اعمال نفوذ مصون باشد (امیدی، ۱۳۸۲: ۱۲۶).

بند دوم: حق علنی بودن دادرسی

علنی بودن محاکمه هنگامی است که شهروندان عادی امکان حضور در جلسه دادگاه را داشته باشند و بتوانند جریان رسیدگی و ادعای اطراف دعوا را مشاهده و استماع کرده، از نزدیک بر فرآیند اجرای عدالت نظارت نمایند (امیدی، ۱۳۸۲: ۱۲۴). این اصل از این جهت حائز اهمیت است که عادلانه بودن دادرسی و استقلال و بی‌طرفی قاضی را تضمین می‌کند و به دلیل اینکه اجرای عدالت کیفری را از نظر عموم مردم عینی‌تر و ملموس‌تر می‌نماید، باعث می‌شود که اعتقاد مردم نسبت به سیستم عدالت کیفری حفظ شود؛ علاوه بر این علنی بودن دادرسی در حقیقت یک نوع مکانیسم قضایی نظارتی مستقیم و مردمی بر جریان دادرسی بوده و زمینه را برای تحقق سیاست جنایی مشارکتی فراهم می‌کند (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۲۵).

بخش دوم: حق رسیدگی در مدت معقول (محاکمه سریع و بدون تأخیر موجه)

از آنجایی که اطلاع دادرسی و تأخیر بدون دلیل در محاکمه متهم، دادرسی عادلانه را از هدف اصلی آن، که تضمین حقوق اصحاب دعوا از یک طرف و حقوق جامعه از سوی دیگر است منحرف می‌سازد (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۷۷) بند ۳ ماده ۱۴ میثاق با استفاده از عبارت «محاکمه بدون تأخیر موجه» و بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی با به کار بردن واژه «محاکمه در مدت معقول» بر لزوم دادرسی و محاکمه سریع تأکید می‌کنند. در خصوص این که مهلت معقول چه مدت زمانی است بایستی گفت که بدیهی است امکان تعیین محدوده زمانی مشخص، به عنوان مدت معقول وجود ندارد و همان‌طور که کمیته بین‌المللی حقوق بشر اظهار داشته تعیین حد زمانی دقیقی برای صدور حکم اساساً مفید نیست، بلکه این موضوعی است که باید برحسب مورد بررسی شود. البته دیوان اروپایی حقوق بشر در آرای خود در این خصوص به ملاک‌هایی از قبیل میزان پیچیدگی و یا سادگی دعوی، اهمیت زمان برای خواهان در تحصیل یک تصمیم (مثلاً اخراج یا تعلیق یک مستخدم و یا در موارد دادرسی فوری)، رفتار خواهان و در طرف مقابل نحوه



برخورد و رسیدگی دعوی به وسیله مراجع و محاکم صالح اشاره نموده است (فضائلی، ۱۳۹۷: ۳۴۱).

بند اول: اصل براءت

اصل یا پیش فرض براءت از جمله اصول و قواعد بنیادین دادرسی کیفری است که از حقوق شهروندان در برابر قدرت طلبی های نهادهای عمومی حمایت می کند (امیدی، ۱۳۸۲: ۱۲۸). مطابق این اصل شخص تا قبل از اینکه مجرمیتش مطابق قانون در یک دادگاه صالح و در طی یک رسیدگی منصفانه اثبات نشود بی گناه فرض می شود و از هر گونه تعرض مصون می باشد. این اصل در بسیاری از اسناد بین المللی و منطقه ای حقوق بشر از جمله بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۲ ماده ۱۴ میثاق و بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی آورده شده است. اصل براءت یا فرض بی گناهی، مقتضی قواعد و موازینی درباره رفتار با متهم و اثبات جرم است. دیوان اروپایی حقوق بشر درباره آثار این اصل چنین گفته است؛ این اصل از جمله مستلزم آن است که قضات نباید کار خود را با این تصور قبلی که متهم مرتکب جرم اتهامی است آغاز کنند، بار اثبات بر عهده دادستان است و هر گونه تردیدی باید به نفع متهم تفسیر گردد، همچنین این دادستان است که باید متهم را از پرونده آگاه کند تا آنکه بتواند دفاعیاتش را آماده سازد و اوست که باید دلایل کافی برای محکومیت متهم ارائه کند (فضائلی، ۱۳۹۷: ۲۹۷). در نظام حقوقی ایران هر چند اصل براءت در قوانین کیفری نیامده است لکن در قانون اساسی مورد اشاره و تأکید قرار گرفته است. اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می دارد: «اصل، براءت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد».

بند دوم: ضرورت تفهیم فوری و تفصیلی نوع و علت اتهام

حق مذکور به عنوان یکی از مهمترین حقوق دفاعی متهم در اسناد بین المللی و منطقه ای حقوق بشر مورد شناسایی قرار گرفته است. از جمله می توان به ردیف الف از بند ۳ ماده ۱۴ میثاق، همچنین ردیف الف از بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی اشاره کرد. بر این اساس؛ «هر متهمی حق دارد در کوتاه ترین زمان ممکن و با زبانی که با آن آشناست به تفصیل از ماهیت اتهامی که بر او وارد شده آگاه شود». منظور از «نوع یا طبیعت» (ماهیت) اتهام، توصیف حقوقی است که در یک کشور معین با توجه به قواعد حقوق کیفری از جرم ارتكابی به عمل می آید و منظور از «علت»،



وقایع مادی و رفتاری است که به متهم نسبت داده می‌شود (آشوری، ۱۳۸۷: ۳۵۱). انتقال این اطلاعات به متهم، با بیان کتبی یا شفاهی اتهام محقق خواهد شد. البته به شرطی که اطلاعات حاوی امور حکمی و موضوعی مبنای اتهامی باشد (فضائلی، ۱۳۹۷: ۴۲۲). حق اطلاع دقیق از اتهام، نوع و درجه آن که در ابتدایی‌ترین مراحل تعقیب و تحقیق باید صورت گیرد، برای آن است که متهم بتواند خود را برای دفاع مناسب آماده کند و میان او و مدعی که پیشاپیش از مفاد و جزئیات و دلایل اتهام آگاه است موازنه قوا برقرار شود. ضرورت تفهیم اتهام مستلزم آن است که مواد قانونی ناظر به اتهام و همچنین دلایل توجه اتهام نیز به متهم اعلام شود. بنابراین پیش از تشکیل جلسه رسیدگی ارائه مدارک مدعی به متهم و تسلیم رو نوشت اظهارات شهود و به طور کلی تمامی اسناد و مدارکی که مستند ادعای مدعی است، ضروری به شمار می‌رود (امیدی، ۱۳۸۲: ۱۳۰).

بخش دوم: حق برخورداری از زمان و تسهیلات لازم برای دفاع

مطابق اسناد بین‌المللی؛ «هر متهمی حق دارد که از تسهیلات و زمان کافی برای مهیا کردن دفاع از اتهام خود بهره‌مند گردد». این حق نسبت به متهم و وکلا در تمام مراحل رسیدگی‌ها من جمله در دادگاه و مراحل تجدیدنظرخواهی لازم‌الرعايه است (طه و اشراقی، ۱۳۹۰: ۹۲). زمان کافی برای دفاع به ماهیت رسیدگی‌ها و شرایط و پیچیدگی پرونده بستگی دارد. مقصود از امکانات یا تسهیلات نیز به این معنا است که متهم یا وکیل مدافع او به اسناد، مدارک و هر آنچه که برای تدارک دفاع ضروری است دسترسی داشته باشند. این حق شامل آزادی ارتباط با وکیل نیز می‌شود (فضائلی، ۱۳۹۷: ۴۳۱).

بند اول: حق مواجهه با شهود موافق (له) و مخالف (علیه)

این حق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد چرا که شهادت به عنوان یکی از مهمترین ادله اثبات دعوی به شمار می‌آید. از این رو اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز به بهره‌مندی متهم از این حق توجه و تأکید داشته‌اند. مطابق اسناد بین‌المللی؛ «متهم حق دارد از شهودی که علیه وی شهادت داده‌اند سؤال کند یا بخواهد که از آنان سؤال شود، همچنان که حق دارد شهودی که به نفع او شهادت می‌دهند با همان شرایط و تسهیلات شهود مخالف احضار شوند و شهادتشان استماع گردد».



این حق شامل دو بخش است: یکی حق متهم و وکیل او بر روبرو شدن با شهود دادستان (شاکی) و مورد پرسش قرار دادن آنها و دیگری حق متهم بر این که گواهان خود را در دادگاه حاضر کنند تا مورد استماع قرار گیرند (فضائلی، ۱۳۹۷: ۴۴۴). این حق نیز به عنوان یکی از حقوق دفاعی متهم در اسناد بین‌المللی حقوق بشر مدنظر بوده است. مطابق قسمت ششم بند ۳ ماده ۱۴ میثاق؛ «متهمی که زبان دادگاه برایش قابل فهم نیست یا قادر به تکلم به آن زبان نیست حق دارد از کمک رایگان یک مترجم برخوردار گردد». از نظر دیوان اروپایی حقوق بشر، تضمین فوق فقط محدود به ترجمه شفاهی در جلسه رسیدگی دادگاه نمی‌شود، بلکه ترجمه کتبی و شفاهی در تمام مراحل دادرسی مدنظر است تا متهم بتواند متوجه مطالبی که علیه او مطرح است بشود و بدین طریق از یک دادرسی عادلانه بهره‌مند شود. لکن ضروری نیست تمامی اوراق و مدارک مضبوط در پرونده به طور کامل ترجمه شود بلکه همین که متهم متوجه شود که از چه جهت مورد سرزنش و اتهام قرار گرفته است تا بتواند از خود دفاع کند و دیدگاه‌های خود را نسبت به ما وقع به سمع دادگاه برساند، کافی است (آشوری، ۱۳۸۷: ۳۵۹). این حق نیز به عنوان تضمین دادرسی عادلانه در اسناد بین‌المللی حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته است که از جمله می‌توان به بند ۵ ماده ۱۴ میثاق و نیز ماده ۲ پروتکل شماره ۷ کنوانسیون اروپایی اشاره کرد. مطابق مواد مذکور؛ «هر کس به خاطر ارتکاب جرمی محکومیت یافته، حق دارد محکومیت و مجازاتش از سوی دادگاهی بالاتر، موافق قانون مورد رسیدگی مجدد واقع شود». این حق که به عنوان روشی برای پیشگیری از اشتباه قضایی و جلوگیری از اعمال مجازات بر متهمان بی‌گناه و رهایی بزهکاران مستحق مجازات از کیفر پیش‌بینی گردیده، دارای دو اثر مهم انتقالی و تعلیقی است. اثر انتقالی تجدیدنظر به این معناست که رسیدگی به دعوای عمومی از دادگاه بدوی به یک مرجع قضایی بالاتر انتقال می‌یابد و اثر تعلیقی آن عبارت است از اینکه رأی صادره از دادگاه‌ها و مراجع قضایی بدوی اصولاً تا رسیدگی و اتخاذ تصمیم در مرجع قضایی بالاتر، اجرا نشده و به حالت معلق باقی می‌ماند (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۳۳).



بخش سوم: منع محاکمه یا مجازات مجدد

این قاعده که در نظام حقوقی ایران به نوعی انعکاس‌دهنده همان قاعده سنتی اعتبار امر مختوم کیفری می‌باشد، در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر از جمله بند ۷ ماده ۱۴ میثاق و همچنین بند ۱ ماده ۴ پروتکل شماره ۷ کنوانسیون اروپایی به عنوان یکی دیگر از اصول و تضمین حق برخورداری از دادرسی عادلانه پیش‌بینی گردیده است. مطابق قاعده مذکور؛ «هیچ کس را نمی‌توان به خاطر اتهامی که در سابق به شیوه‌ای قانونی مورد تعقیب و رسیدگی قرار گرفته و منجر به صدور حکم قطعی، اعم از محکومیت و براءت شده، برای بار دوم مورد تعقیب، محاکمه و مجازات قرار داد؛ حتی اگر محکومیت سابق وی مورد عفو قرار گرفته یا مشمول مرور زمان شده یا به جهتی از جهات قانونی غیرقابل اجرا باشد» (امیدی، ۱۳۸۲: ۱۴۱). آقای ایمانوئل دکاکس گزارشگر ویژه کمیسیون فرعی حقوق بشر، اصول بیست گانه‌ای را برای دادگاه‌های نظامی در گزارش کاری خود ارائه نموده است. برخی از این اصول صحیح به نظر نمی‌رسند که در ذیل مورد تحلیل قرار می‌گیرند. این اصول به شرح ذیل است:

- ۱- محاکم نظامی باید توسط قانون اساسی یا قانون عادی تأسیس شده باشند.
- در حقوق ایران، مطابق اصل ۱۷۲ قانون اساسی محاکم نظامی تشکیل شده‌اند. در توضیح این اصل در گزارش کاری آقای ایمانوئل دکاکس آمده که این محاکم باید جزیی از قوه قضائیه باشند تا اصل تفکیک قوا رعایت شود. این بدان جهت است که این شبهه ایجاد نشود که محاکم نظامی باید زیرمجموعه ارتش یا سایر نیروهای مسلح باشند، البته این، مانع از آن نمی‌باشد که قضات یا حتی کارمندان آن نظامی باشند یا حتی در محل کار از لباس نظامی استفاده کنند.
- ۲- رعایت استانداردهای حقوق ملی
- ۳- در گزارش کاری آمده است که در محاکم نظامی و در شرایط اضطراری و فوق‌العاده نباید حق دادرسی منصفانه یا اجرای قوانین معلق شود.
- ۴- اجرای حقوق بشردوستانه: حقوق بشردوستانه شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل و غیر از حقوق بشر ولی نزدیک به آن است که در واقع شاخه‌ای از حقوق جنگ است و قواعد جنگیدن همچون ممنوعیت به قتل.



۵- دادگاه‌های نظامی بر غیر نظامیان صلاحیت نداشته باشد. دیوان اروپایی حقوق بشر نیز در پرونده قبرس علیه ترکیه رأی به نقض دادرسی منصفانه به جهت محاکم غیر نظامیان در محاکم نظامی داد. در این جا می‌توان به شروط وجود دادگاه‌های نظامی طبق نظر کمیته کاری سازمان ملل راجع به بازداشت خود سرانه اشاره کرد که چهار شرط است:

الف- راجع به غیرنظامیان صالح نباشد.

ب- در مواردی که نظامی مجنی علیه است، صالح نباشد.

ج- در جرائم شورش صالح نباشد.

د- در هیچ صورتی نتواند حکم اعدام صادر کند.

البته به نظر می‌رسد از آنجا که آقای دکاکس احتمالاً کار قضایی انجام نداده باشد فراموش کرده در مورد صلاحیت اضافی در مواردی که شریک با معاون جرم، غیرنظامی باشد، دادگاه می‌تواند اظهار نظر نماید.

۶- رعایت Conscientious Objection مطابق مفهوم فوق که دبیر کل سازمان ملل هم راجع به آن گزارشی تنظیم نموده، نظر آقای دکاکس بر این است؛ کسانی که به دلایل مذهبی، وجدانی، اخلاقی یا عقیدتی مخالف با جنگ هستند، بتوانند از خدمت نظامی معاف باشند.

۷- محاکم نظامی بر اطفال زیر ۱۸ سال صالح نباشند.

۸- این محاکم باید به جرایمی رسیدگی کنند که ماهیت خاص نظامی دارند. این تأکید در اصول و راهنمایی حق دادرسی منصفانه و مساعدت حقوق در آفریقا مصوب سال ۲۰۰۵ کمیسیون حقوق بشر و خلق آفریقا نیز آمده است. در فرانسه به جرائم عمومی نظامیان، گروهی از قضات دادگستری رسیدگی می‌کنند که در این مورد تخصص پیدا کرده‌اند.

۹- افراد متهم به نقض جدی حقوق بشر مثل شکنجه، اعدام خودسرانه، ناپدیدسازی اجباری افراد و کشتار دسته جمعی در این محاکم، محاکمه شوند.

۱۰- محدودیت‌های اطلاعات سری قابل استناد است اما نباید اصول دادرسی منصفانه را نقض کند.

به این محدودیت‌ها در این موارد نباید استناد شود؛



الف- محرومیت از آزادی؛ ب- در تحقیقات، رسیدگی و محاکم؛ ج- محرومیت قضات از دسترسی اطلاعات مورد نیاز؛ د- انتشار حکم؛ ه- اعتراض به بازداشت موقت و سایر جبران‌های قضایی

۱۱- رژیم زندان نظامی باید تابع استانداردهای بین‌الملل باشد. غیرنظامی‌ها نباید در زندان نظامی‌ها باشند. ۱۲- امکان اعتراض به قرار اعتراض بازداشت موقت وجود داشته باشد.

۱۳- حق برخورداری از محاکم صالح، مستقل و بی‌طرف.

۱۴- رسیدگی علنی.

۱۵- تضمین حقوق دفاع و حق دادرسی منصفانه.

۱۶- دسترسی اشخاص مجنی علیه به محاکم.

۱۷- احکام این دادگاه‌ها قابل اعتراض در دادگاه‌های غیرنظامی باشد. این اصل، بسیار ناصواب است. زیرا قضات دادگاه‌های نظامی در کار خود نوعی تخصص پیدا کرده‌اند که قضات دادگاه‌های عمومی از آن بی‌بهره‌اند.

۱۸- امر آمر در جرائم جدی علیه حقوق بشر که مثال‌های آن در اصل ۹ آمده، نباید موجب رفع مسئولیت کیفری فرد شود. در چنین جرایمی در صورتی که مافوق هم کوتاهی کرده باشد او هم مجازات می‌شود.

۱۹- منع مجازات اعدام. این اصل ناشی از آن است که این تمایل در محافل حقوق بشری وجود دارد که مجازات اعدام به کلی منسوخ شده و به همین جهت تلاش در راستای حذف تدریجی آن وجود دارد که به نظر چنین دیدگاهی صحیح به نظر نمی‌رسد. حذف کلی اعدام در جرائم سنگین صحیح نیست.

۲۰- بازنگری پیاپی و مکرر در قوانین نظامی جهت تطبیق آن با مسائل روز (www.imj.ir)

به عنوان جمع بندی این فصل می توان گفت :

دادگاه‌های نظامی دو درجه دارند: ۱) دادگاه‌های نظامی درجه یک، و ۲) دادگاه‌های نظامی درجه دو. هر کدام از این دادگاه‌ها تشکیل شده از یک رئیس دادگاه و در صورت غیاب وی، دادرس علی‌البدل و یک مشاور دیگر. در دادگاه‌های نظامی درجه یک، جرائم مهم با مجازات‌های سنگین تر مثل اعدام، رجم، صلب و ... مورد رسیدگی قرار می‌گیرند، در حالی که جرائم



کم‌اهمیت با مجازات‌های خفیف‌تر در دادگاه‌های نظامی درجه دو مورد بررسی قرار می‌گیرند. همچنین، دادگاه‌های نظامی همراه با دادرهای نظامی تشکیل شده‌اند که وظایف و اختیارات آنها شبیه دادرهای انقلاب و عمومی است. در دادگاه‌های نظامی، پرونده‌های جرائم مختلفی رسیدگی می‌شود. این پرونده‌ها مربوط به پرسنل ارتش، سپاه پاسداران، وزارت دفاع، نیروهای انتظامی، مشمولان نظام و افرادی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح هستند، می‌باشند. حفظ حقوق شهروندی و کرامت انسانی افراد متهم و مجرم در دادگاه‌های نظامی بسیار حیاتی است. این دادگاه‌ها باید با رعایت اصول انسانی و دینی برخورد کرده و حقوق افراد را به دقت مراعات کنند. از مهمترین وظایف دادگاه‌ها و دادرهای نظامی، ارتقاء اصول عدالت، تامین حقوق متهمان و مجرمان، و جلوگیری از تضییع حقوق آنان به عنوان اعضای جامعه است. همچنین، در این دادگاه‌ها هیأت‌های انضباطی نیروهای مسلح نیز مجرمانها را تحت پوشش قرار می‌دهند و تخلفات آنها را مورد بررسی و صدور مجازات قرار می‌دهند. حقوق افراد در فرآیند رسیدگی به تخلفات نظامی بسیار حائز اهمیت است و باید اصول رفاه و دادرسی عادلانه را رعایت کرد. به علاوه، تعهدات بین‌المللی ایران و نقش کمیته حقوق بشر در تضمین دادرسی عادلانه در این فرآیند نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. در کل، دادگاه‌های نظامی با رعایت حقوق شهروندی و کرامت انسانی افراد متهم و مجرم، باید فرآیند رسیدگی به پرونده‌ها را انجام دهند و در همین زمینه برنامه‌هایی نیز برای پشتیبانی و بازتوانی افراد پس از آزادی از زندان ارائه دهند. در مبحث تضمین دادرسی عادلانه در هیأت‌های انضباطی نیروهای مسلح می‌توان به حق دسترسی به عدالت کیفری، استقلال و بی‌طرفی مرجع، حق علنی بودن دادرسی، محاکمه در زمان معقول و بدون تأخیر، اصل برائت، ضرورت تفهیم فوری اتهام، حق دفاع، حق محاکمه حضوری، حق انتخاب وکیل، حق مواجهه با شهود، حق ترجمه، حق تجدیدنظر و منع از محاکمه یا مجازات مجدد اشاره کرد. هیأت‌های انضباطی نیروهای مسلح باید با رعایت تضمین‌های اساسی دادرسی عادلانه که شامل موارد فوق می‌شود عمل کنند. این تضمین‌ها مواردی است که در تضمین حقوق فردی و اجتماعی افراد در مقابل دادگاه‌ها اهمیت دارند و باید به طور کامل رعایت شوند. امروزه حقوق شهروندی به عنوان یکی از مفاهیم مهم در رشته حقوق و مباحث حقوقی طرح و در قوانین کشورها به عنوان یک رویکرد غالب مطرح است. از آنجایی که حقوق شهروندی با فرهنگ



اسلامی ما سنخیت داشته و ضمن اینکه در معارف اسلامی بر رعایت حقوق مردم اعم از حقوق مادی و معنوی تأکید شده و در قوانین ما نیز از حقوق شهروندی به عنوان یکی از وظایف نهادهای دولتی مطرح شده است، لذا بررسی و رعایت حقوق شهروندی یکی از اولویت‌های نظام اسلامی بشمار می‌رود. از مجموع مباحث مطرح شده می‌توان چنین نتیجه گرفت لازمه ایجاد و رواج حقوق شهروندی در جامعه، در درجه اول ترویج فرهنگ شهروندی است به طوری که مردم با حقوق اولیه خود آشنا شوند و از نظام قضایی پیگیر حقوق اولیه خود باشند.

در کنار تدوین قوانین و اجرای صحیح آن در قوه قضائیه، برای تضمین «امنیت قضایی»، «استقلال دستگاه قضایی» نیز یکی از پیش‌شرط‌های مهم تحقق آن است، زیرا در صورتی که دستگاه قضایی از ابعاد مختلف استقلال لازم را نداشته باشد، نمی‌تواند رسالت‌های محوله در قانون اساسی را به نحو کامل اجرا کند؛ از این رو نباید انتظار داشت که «امنیت قضایی» برای شهروندان جامعه تضمین شده است. سازمان قضایی نیروهای مسلح نیز به عنوان یکی از سازمان‌های قوه قضائیه تابع اصول قانون اساسی و سایر قوانین است. در رژیم گذشته سازمان قضایی نیروهای مسلح با عنوان دادرسی ارتش مسئول رسیدگی به پرونده‌های امنیتی و سیاسی بوده و به لحاظ اهمیت و محرمانه بودن پرونده‌ها کمتر به آیین دادرسی و حقوق مجرمین توجه می‌شد اما پس از انقلاب اسلامی و تشکیل سازمان قضایی نیروهای مسلح در سال ۱۳۶۵ و محدود شدن صلاحیت سازمان قضایی و رویکرد نظام اسلامی به حقوق شهروندی موجب شد توجه به حقوق شهروندان به عنوان یک اصل در سازمان قضایی همانند سایر دستگاه‌های قوه قضائیه از اصول آیین دادرسی پیروی کند. حقوق شهروندی دارای ابعاد گسترده‌ای است و در همه زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی تأثیرگذار است. در این فصل نتایج تحقیق به صورت خلاصه ارائه می‌گردد و در پایان با توجه به نتایج تحقیق، پیشنهادهایی ارائه می‌گردد.

نتیجه‌گیری

با توجه به این که متهم در دادرسی نظامی یک شخص نظامی است، در نظر گرفتن حقوق اولیه شهروندی برای او لازم است. آنچه که مهم است این است که متهم در دادرسی نظامی با یک شخص عادی متفاوت بوده و اعضای نیروهای مسلح، ارتش، سپاه، بسیج، نیروی انتظامی، وزارت دفاع و هر نیروی مسلح قانونی دیگر می‌باشند. بنابراین وظیفه دادرسی در حفظ حقوق



شهروندی متهمین خطرتر و مهمتر خواهد بود. در راستای حفظ حقوق شهروندی در دادرسای نظامی رعایت اصولی از سوی دادرسا لازم است. اگر چه یکی از ویژگی‌های دادرسای نظامی، محرمانه بودن پرونده‌ها در محیط نظامی است که این وضعیت آن را از محاکم عمومی متفاوت کرده است، با تصویب قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ و الزام کلیه محاکم عمومی، انقلاب، نظامی، دادرسا و ضابطان قوه قضائیه مکلف به حفظ حقوق شهروندی شده‌اند. دادرسای نظامی نیز به عنوان یکی از مراجع قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی لازم است حقوق شهروندی را رعایت نماید که این حقوق از دو جهت قابل ملاحظه است.

۱. حقوق شهروندی متهم در دادرسای نظامی.

۲. حقوق شهروندی شاکی در دادرسای نظامی.

ضمن اینکه برخی از حقوق برای متهم و شاکی یکسان بوده و هر دو طرف از این حقوق برخوردار هستند. البته به موجب ماده ۵۸۱ قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲ اختیارات و وظایف رئیس، دادستان و دیگر مقامات سازمان قضایی نیروهای مسلح با رعایت مقررات قانون مذکور همان اختیارات و وظایفی است که در قانون آیین دادرسی کیفری برای روسای کل دادگستری ها، دادستان های عمومی و انقلاب و سایر مقامات قضایی دادگستری مقرر شده است. بنابراین با استناد به قوانین موضوعه در خصوص وظایف دادستان و بازپرس دادرسای عمومی و انقلاب خصوصاً قانون آیین دادرسی دادگاه عمومی و انقلاب در امور کیفری، وظایف دادستان و بازپرس دادرسای نظامی در حفظ حقوق شهروندی تبیین می گردد. در سازمان قضایی نیروهای مسلح اصول اساسی حقوق شهروندی مانند حق داشتن وکیل، حق رد دادرس، کارشناس و مترجم، علنی بودن رسیدگی، حق دسترسی به عدالت کیفری استقلال و بی طرفی مرجع رسیدگی کننده، حق علنی بودن دادرسی و حقوق دفاعی متهم که شامل اصل برائت، ضرورت تفهیم اتهام، حق محاکمه حضوری، حق برخورداری از وکیل، حقوق ناشی از صدور حکم، حق تجدیدنظر خواهی منع محاکمه یا مجازات مجدد رعایت می شود. از طرف دیگر حقوق شاکیان در دادرسای نظامی همانند سایر اعضای محاکم نظامی رعایت می شود. به هر حال مقدار قابل توجهی از ورودی پرونده‌ها به دادرسای نظامی در خصوص نیروهای وظیفه و معمولاً به اتهام فرار از خدمت است و اگر چه در جرم انگاشتن این موضوع جای بحث است و یا حداقل به



این مقدار ایام غیبت، عنوان مجرمانه فرار اطلاق کردن جای تأمل است، اما اقدامات مثبت قانون‌گذار در این زمینه را هم نباید نادیده انگاشت. از جمله در ماده ۳ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح بحث تخفیف را گنجانده و به طور دقیق و کارآمد به مواردی مثل اضافه خدمت، جزای نقدی و منع اشتغال به خدمت در یک نقطه یا نقاط معین به عنوان جایگزین حبس تا دو سال اشاره نموده و از سوی دیگر مدت فرار و نحوه دسترسی به متهم (مراجعت یا دستگیری) را در مواد ۵۹ و ۶۰ قانون اخیرالذکر به درستی آورده است. اغلب متهمانی که یک بار تجربه بازداشت را داشته‌اند، بیشتر امکان فرار مجدد را دارند و این مساله هم موضوع بازدارندگی مجازات را زیر سؤال می‌برد. اگر چه عدم همراهی محکوم علیه در مجازات‌ها و اجبار موجود در آن، در خیلی از موارد آثار زندان را نیز به وضوح کاهش می‌دهد و فرد را مثل فتری فشرده در می‌آورد که با برداشتن فشار از روی آن، با شدتی بیش از پیش به حالت گذشته بازخواهد گشت و تا رسیدن تعادل، فراز و فرودهایی را نیز باید از سر بگذارند، این امر مخالف با اصول حقوق شهروندی و به خصوص تناسب جرم و مجازات است. در سیستم‌هایی که دادسرا از آغاز تشکیلات آن حضوری پررنگ داشته مانند محاکم نظامی، چرخ‌های عدالت کیفری معمولاً تحت نفوذ دو اصل به حرکت در می‌آید: ۱- اصل قانونی بودن تعقیب ۲- اصل مفید بودن تعقیب.

منظور از اصل اول این است که دادستان اقدام به تعقیب و تمام تلاش خود را معطوف تعقیب و جمع‌آوری ادله کند و طبق اصل مفید بودن تعقیب که نوعی مصلحت‌سنجی است دادستان می‌تواند از تعقیب برخی از جرائم کم‌اهمیت خودداری کند. لذا رعایت این دو اصل توأمان و در کنار هم به مثابه دو بال، یاریگر فرشته عدالت بوده و مسیر را برای جولان آن هموار می‌کنند. اگر چه رعایت این دو اصل کاری تخصصی و قضایی است، اما به هر حال جزء اصول راهبردی و پراهمیت در بدو اقدامات قضایی و شروع مسیر عدالت قضایی به شمار می‌رود. این اقدام‌ها که می‌توان آنها را در سه دسته کلان، قضایی و اداری تقسیم‌بندی نمود به نوعی در راستای حقوق شهروندی در سازمان قضایی است. منظور از اقدام کلان مربوط به سیاست‌های کلی سازمان در راستای مدیریت منابع انسانی، استفاده بهینه از نیروی انسانی مورد نیاز، کارهای عمرانی، تجهیز اداری، ایجاد انگیزه برای فعالیت بیشتر، برگزاری دوره‌های آموزشی برای اعتلای دانش پرسنل و به روز نگه داشتن آنها در خدمت‌رسانی و در یک کلام، ایجاد بستری مناسب برای خدمتی



متناسب است. از آنجایی که صلاحیت سازمان قضایی پس از انقلاب کاهش یافته، لذا میزان مراجعه ارباب رجوع نسبت به محاکم عمومی بسیار پایین تر است. در واقع نسبت قضات و کارمندان در سازمان قضایی به تعداد ارباب رجوع در سازمان قضایی بالاست. اگر چه آمار دقیقی در محاکم عمومی و نظامی وجود ندارد، اما شواهد حاکی از اختلاف زیاد بین محاکم عمومی و نظامی است و این امر موجب اعمال بهتر حقوق شهروندی در دادسرا و دادگاه‌های نظامی می‌شود. لذا با توجه به بررسی‌های انجام شده عموم مراجعین اعم از شاکیان، متهمین و وکلا از برخورد قضات و کارکنان راضی بوده و آرای دادگاه‌ها را متناسب می‌دانند و معتقدند آیین دادرسی که مبنای حقوق متهمان است در دادسرا و دادگاه نظامی رعایت می‌شود. در نهایت با توجه به سوالات و فرضیه‌های این پژوهش می‌توان این نتیجه‌گیری کلی را ارائه نمود که:

با توجه به تحقیق توصیفی تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای که در این پژوهش انجام شد، می‌توان نتیجه گرفت که دادگاه‌ها و دادسراهای نظامی کارکنان در رعایت حقوق شهروندی بسیار پیگیر و پایبند به قوانین و مقررات جاری عمل می‌کنند. این مؤسسات به طور کامل به تضمین‌های دادرسی عادلانه تعهد دارند و آنها را به مراتب محترم می‌دانند. آموزش‌ها و آگاهی‌های حقوقی که به کارکنان دادگاه‌ها و دادسراهای نظامی ارائه می‌شود، نقش مهمی در ایجاد و تقویت رعایت حقوق شهروندی دارد. این آموزش‌ها از جهت آگاهی‌بخشی به کارکنان و تشویق آنها به رعایت اصول دادرسی عادلانه، به خوبی عمل کرده و تاثیر مثبتی را در تقویت فرهنگ حقوقی در این مؤسسات ایجاد نموده است. با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیق، می‌توان نتیجه گرفت که دادگاه‌ها و دادسراهای نظامی کارکنان توانسته‌اند با اجرای مناسب تضمین‌های دادرسی عادلانه و ارتقای آگاهی حقوقی در بین کارکنان، حقوق شهروندی را به خوبی رعایت کنند. این امر نه تنها از تأثیر مثبتی بر تقویت اعتماد عمومی به سیستم قضایی برخوردار است، بلکه باعث تضمین حقوق متهمان و مددجویان نیز می‌شود.



منابع و مآخذ

۱. سلجوقی، محمود (۱۳۹۹). حقوق بین‌الملل خصوصی، ج ۱، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، چاپ سیزدهم.
۲. شریفی طراز کوهی، حسین (۱۳۹۲). زمینه‌ها، ابعاد و آثار حقوق شهروندی، تهران: انتشارات میزان.
۳. شهری، غلامرضا (۱۳۸۶). قوانین و مقررات کیفری، تهران، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی، به اهتمام معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه، جلد دوم.
۴. شبیانی، ملیحه (۱۳۹۴). شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، انتشارات علمی فرهنگی، فصلنامه حقوق تأمین اجتماعی، سال اول، شماره ۱.
۵. طه، فریده و اشراقی، لیلا (۱۳۹۰). دادرسی عادلانه، چاپ دوم، نشر میزان.
۶. علیدوستی، ناصر (۱۳۹۱). پلیس و حقوق شهروندی، فصلنامه مطالعه راهبردی، سال دوازدهم، شماره دوم.
۷. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۰). حقوق اقلیت‌ها، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم.
۸. عنایت، محمد (۱۳۷۱). سیاست ارسطو، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۹. فاخری، نریمان (۱۳۹۴). ضمانت اجرای سالب حقوق اجتماعی و شغلی جایگزین مجازات سالب آزادی در علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم.
۱۰. فالكس، كيٲ (۱۳۹۰). حقوق شهروندی، مترجم: محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
۱۱. فضائلی، مصطفی (۱۳۹۷). دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، چاپ چهارم، انتشارات شهردانش.
۱۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). فلسفه حقوق، چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۳. گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش (۱۳۹۳). قانون یار آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، انتشارات چتر دانش.



۱۴. گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۸). بایسته‌های حقوق جزای عمومی، چاپ بیست و سوم، تهران: نشر میزان.
۱۵. گوله، جونیوس (۱۳۷۶). فرهنگ علوم اجتماعی، مترجم: محمد جواد زاهدی مازندرانی، تهران، انتشارات مازیار.
۱۶. گیدنز، آنتونی (۱۳۶۷). مترجم منوچهر صبوری، جامعه‌شناسی، تهران: نشر نی.
۱۷. مارتی، دلمارس (۱۳۹۵). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، چاپ سوم، نشر میزان.
۱۸. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰). نظریه حقوقی اسلام، چاپ اول، قم: انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۱۹. مصدق، محمد (۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری بر مبنای قانون جدید مصوب ۱۳۹۲، چاپ چهارم، تهران: انتشارات جنگل.
۲۰. معاونت قضایی و حقوقی اداره کل آموزش و امور فرهنگی (۱۳۸۸). ساختار و صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح.
۲۱. معین، محمد (۱۳۸۴). فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ ۲۲، جلد اول.
۲۲. ملک‌زاده، فهیمه (۱۳۹۰). اصطلاحات تشریحی آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات مجد، چاپ دوم.
۲۳. مهرپور، حسین (۱۳۹۴). نظام بین‌المللی حقوق بشر، اطلاعات، چاپ ششم.
۲۴. میرموسوی، سیدعلی و حقیقت، سید صادق (۱۳۹۷). مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب، چاپ بیست و ششم، تهران: سازمان انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۵. ناصرزاده، هوشنگ (۱۳۸۳). آیین دادرسی کیفری، سلب، آزادی تن، بازداشت و حبس در حقوق ایران، تهران، انتشارات دیدار، چاپ اول.
۲۶. هاشمی، حمید (۱۳۹۰). ضابطین دادگستری و حقوق شهروندی، تهران: انتشارات مدیران.
۲۷. هاشمی‌شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۳). آیین دادرسی از دیدگاه امام علی (ع)، چاپ اول، نشر معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه